

# حماسه آزادی

## زین العابدین قربانی

از امتیازات بزرگ اسلام اینست که: زنجیرهای اوهام را از دست و پای فکر بشر بازمی کند و از هر نوع اجحاف و ستم و قبول صاحب اختیاری، جز «خدا» خلاصش می سازد و به انسانیت نعمت «آزادی» بمعنی واقع کلمه عنایت می نماید: «ای پیروان کتب صحیح آسمانی بیایید به یک اصل مشترک که میان ما و شما است عمل کنیم و آن اینکه غیر خدا را «عبادت و بندگی» نکنیم و برای او شریک قائل نشویم. برخی از ما برخی دیگر را «بجای خدا از باب و صاحب اختیار خود» ندانیم (۱)

«محمد ارگران تکالیف شاق را از دوش آنان بر میدارد و زنجیرهایی که بدست و پای آنها بسته بود، بازمی کند» (۲)

و نیز از امتیازات بزرگ دیگر اسلام اصل «مساوات و برابری انسانها» است اسلام، تمام افراد بشر را همانند دندانهای شاه برابر و یکسان می شناسد و عوامل رنگ و نژاد و خون و ثروت و زبان.. را که جهات امتیاز طبقاتی و تمیضات قومی و نژادی در دنیا شناخته شده به کلی مطرود میداند و معتقد است: همه افراد بشر از یک پدر و مادر آفریده شده اند و گرامی ترین

(۱) آل عمران آیه ۴۶ (۲) اعراف آیه ۱۵۷

آنها پرهیزگارترین و شایسته ترین آنها است» (۱) همین دواصل سبب شده بود که «غلام حبشی» و «سید قرشی» در اسلام، کنار هم قرار گیرند و از مزایای اجتماعی بطور یکسان و برابر بهره مند گردند و توده ملت از همه نوع آزادی فردی و اجتماعی برخوردار باشند (۲)

البته این «حماسه آزادی و برابری» نه تنها برای مردم عربستان مائده آسمانی به شمار میرفته بلکه برای کشورهای متمدن ایران که در آن زمان توده ملت از حقوق اجتماعی محروم بودند، فکرشان در استعمار موبدان، جسمشان در فرمان اسپهبدان، مال و نیرویشان در اختیار هزار فامیلان بوده، نیز مائده آسمانی به شمار میرفته است و لذا مردم کشورها هنگامیکه در برابر دعوت جهانی اسلام و آئین ضد طبقاتی و آزادی بخش آن قرار گرفتند و عملاً مشاهده

(۱) حجرات آیه ۱۳

(۲) تفصیل مباحث مربوط به آزادی و مساوات،

را از کتاب «اسلام و حقوق بشر» بدست آورید.

# ابری تودهها

«سر توماس . و ارنولد» درباره علل سقوط حکومت ساسانی و استیلای مسلمین بر کشور پهنای ایران چنین می نویسد: «هنکا، بیکه توده ملت خود را در برابر ارتش نجات بخش مسلمین مشاهده نمودند، نفس آرامی کشیدند و به استقبالی آن شتافتند زیرا هم از بیدادگری های هیئت حاکمه وقت به تنگ آمده بودند و هم از خدمت سربازی که تنها روی دوش آنها سنگینی می کرد خسته شده بودند به علاوه احساس می کردند که با استیلای مسلمین از آزادی مذهبی کامل برخوردار خواهند شد چون اسلام اصول یاد شده را تأمین می کرد و به غیر مسلمین از یهودیان و نصاری و زرتشتیان و صابئیان و ... آزادی مذهبی میداد و تنها به جزیه اکتفاء مینمود...»

ملت ایران از لحاظ رشد عقلی آمادگی پیدا کرده بود در برابر این دین جدید (اسلام) به خاطر سادگیش کردن نهاد ، و به آن گرایش پیدا کند ، در این وقت اسلام همانند خورشید فروزانی تمام این ابرهای تیره را پراکنده ساخت تا از پردگی صاحبان زر و زور و تزویر و وضع اسفباری که داشت نجاتش بخشد!...

و در جای دیگر تحت عنوان «توده ملت به استقبال اسلام شتافت» اینطور ادامه میدهد : «ساکنان شهرها مخصوصاً صاحبان صنایع و حرفه ها و طبقه کارگر به استقبال اسلام شتافتند و بسیاری از مردم با اشتیاق فراوان در برابر آن گردن نهادند زیرا مقتضای ترک کردن آئین زرتشت و تقبیح قدرت آب و خاک و آتش از ناحیه مردمی که مذهب آنان را ذلیل و کوچک ساخته و از حقوق انسانی محرومشان

کردند که: بلال حبشی و صهیب رومی و سلمان فارسی و دیگران از آحاد مسلمین امتیازی از یکدیگر ندارند ، بلکه آنها که شایستگی و پرهیزگاری بیشتری کسب کرده اند ، به مقام «سلمان منا اهل البیت» نائل گردیده اند. به این آئین جذب شدند تا بدین وسیله از جهنم طبقاتی ساسانی و اختلاف و سلب آزادی مؤبدی نجات یابند.

این موضوع چیزی نیست که مسا روی تعصب و خوشبینی که نسبت به اسلام داریم به آن اعتراف کرده باشیم بلکه مطالعه در متون اصیل تاریخ ، گواه صحت آنست:

است، گفت: چه نیک است این، دیگر چی؟ گفت:  
**واخراج العباد من عبادة العباد الى عبادة**  
**الله** یعنی: آزاد ساختن بندگان خدا از بندگی  
 بندگان، تا بنده خدا باشند نه بنده بندگان، گفت:  
 نیک است دیگر چی؟ گفت: **والناس بنو آدم و**  
**حواء؛ اخوة لاب و ام** یعنی: همه مردم از یک  
 پدر و مادر (آدم و حواء) زاده شدند و همه با هم برادر  
 و برابرند گفت: اینهم بسیار نیک است.

سپس رستم گفت: اگر اینها را پذیرفتم چه خواهید  
 کرد آیا برمی گردید؟  
 زهره گفت: آری به خدا قسم دیگر چیزی برای  
 تجارت و بسا احتیاجی دیگر نزدیک شهرهای شما  
 نخواهیم آمد. رستم گفت: سخت را تصدیق می کنم  
 اما متأسفم که باید بگویم از زمان اردشیر رستم بر  
 اینست که به طبقات پست اجازه داده نشده دست  
 بکاری که مخصوص طبقات عالی و اشراف است  
 بزنند زیرا اگر از کاست خود خارج شوند مزاحم  
 طبقات اشراف شده بر آنها ستم روا میدارند!

زهره گفت: بنا بر این، از همه مردم برای مردم  
 بهتریم ما هرگز نمیتوانم با طبقات پائین آنچنان  
 رفتار کنیم که شما می کنید. ما فرمان خدا را در  
 رعایت طبقات پائین اطاعت می کنیم و نافرمانی  
 آنها به ما زیان نمی رساند» (۲)

\* \* \*

### بیک اعتراف جالب

یکی از نویسندگان معروف بر خلاف بعضی که

نموده بود این بود که در برابر اسلامی که به آنان  
**«آزادی» و «مساوات»** می داد تسلیم شوند...» (۱)

\* \* \*

آزادی و مساوات اسلامی بقدری چشمگیر و  
 جذاب بود که حتی گردانندگان سیاست وقت  
 نمی توانستند آنرا انکار کنند اما روی سننهای غلطی  
 که از دیرباز در این مرز و بوم حکم فرما بوده نمی-  
 توانستند آنرا بکار بندند!

**«ابن اثیر»** در این باره می نویسد: «هنگامیکه  
**«رستم فرخزاد»** سپهسالار لشکر ایران با «زهره  
 ابن عبدالله» افسر رشید اسلام در قادیسیه ملاقات کرد  
 به او گفت: شما مردم عرب همسایگان ما بودید و  
 ما به شما احسان می کردیم و از شما نگهداری می نمودیم  
 و چنین و چنان می کردیم...»

زهره گفت: وضع امروز ما با اعرابی که تو میگوئی  
 فرق می کند، هدف ما با هدف آنها دوتا است آنها  
 بخاطر هدفهای مادی به سرزمین شما می آمدند و  
 ما بخاطر هدفهای معنوی، و ما همچنان بودیم که  
 تو گفتی تا آنکه خداوند پیامبرش را در میان  
 ما برانگیخت و ما دعوتش را اجابت کردیم، او به  
 پیامبرش فرمود: هر که این آئین را بپذیرد خوار  
 و زبون خواهد شد و هر که بپذیرد عزیز و محترم خواهد  
 گشت.

رستم گفت: حقیقت دینتان را برایم بیان کن.  
 زهره گفت: پایه اساسی اقرار به وحدانیت خدا  
 و رسالت محمد (ص) و آنچه که از ناحیه او آورده

(۱) الدعوة الى الاسلام ص ۲۳۷

(۲) کامل ابن اثیر ج ۲ ص ۳۲۰

روح و ناسیونالیستی، شدید، آنها را اذاعتراف به حقیقت بازمی‌دارد، در مورد علت گرایش ایران آنروز به اسلام، می‌نویسد: «توده‌های مردم نه تنها در خود در برابر جاذبه جهان‌بینی و ایدئولوژی ضد طبقاتی اسلام مقاومتی احساس نمی‌کردند، بلکه درست در آستان آن، همان چیزی را می‌یافتند که قرن‌ها به‌بهای آه و اشک و خون خریدار و جان‌نثار و مشتاق آن بودند و عطش آنرا از قرن‌ها در خود احساس می‌کردند...»

توده‌های نسل اول ایران صدساله اسلام در برابر آرمان رهائی بخش آئین نو نه تنها با شعارهای تبلیغاتی مردم فریب خوش‌ظاهر بی‌باطن روبرو نگشتند نه تنها فقط پیامبر اسلام بارها تصریح کرده بود که: «من انسانی همانند شما هستم» و با «بین سیاه حبشی و سید قرشی جز به پرهیزگاری و تقوی تفاوتی وجود ندارد» بلکه عمل‌انیز روش حکومت در زمان خلفای نخستین، به‌ویژه علی (ع) را در حد خواب و خیال و افسانه‌آمیزی به‌پیرایه‌تر از آنچه خود می‌خواستند و آرزوی را در دل داشتند ساده یافتند...

یکی از احساس‌ترین لحظات برخورد این دو جهان‌بینی - برخورد سنت منحنط ساسانی و آئین نو اسلام - را در بسیج علی امیرالمؤمنین هنگام لشکرکشی به‌شام با کشاورزان آزادشده ایرانی شهر «انبار» بر ساحل فرات می‌یابیم. این برخورد موجب تقریر یکی از شیواترین و تکان‌دهنده‌ترین خطبه‌های علی (ع) است که از این پیشوای بی‌نظیر تاریخ جهان‌انداری و سیاست، برای همیشه برای عبرت رهبران آینده جهان بر جای مانده است... نیروی عراق بسوی شام بسیج کرده بود، دهکده‌های شوریزیبای انبار بر ساحل فرات به آئین ایران قدیم صف بسته بودند تا موکب همایون

امیرالمؤمنین را همچون سلاطین استقبال کنند؛ چون لشکر فرا رسید پیش‌دویدند، علی را که از سربازان دیگر امتیازی نداشت باهله و شادباش و شادی‌تلقی کردند آن پیشوای بزرگ از رسم تعظیم و تکریم ایرانیان نسبت به پیشوای خویش با بیانی پر لطف این چنین انتقاد می‌کند: «به‌خدا قسم فرمانروایان از اینکار سودی نمی‌برند و شما هم نه در دنیا و نه در آخرت از اینکار مشقت باری حاصل، طرفی نمی‌بندید» آری اسلام نقطه عطفی را در فلسفه رهبری توده‌ها به‌میان کشیده بود «شبان» را برای حراست و گله‌میدانست نه گله‌را برای ارضای شبان.

اسلام حماسه آزادی توده‌ها بشمار میرفت، رهبر برای مردم یا مردم برای رهبر؛ این بود پرسش تازه‌ای که اسلام در برابر فاسفه سیاسی دنیای قدیم و ایران ساسانی بوجود آورده بود، در جنگ‌های هفتصدساله ایران و روم، هیچگاه چنین مسأله‌ای در برابر توده‌ها مطرح نگشته بود، سیاست خودکامه هر دو امپراطوری یکی بود؛ مردم برای رهبر، توده فدای طبقات ممتاز!

جنگ تنها بر سر این بود که گرگ این گله اینک که باشد؟ گرگان روم یا تیغون ۱؟ بارگاه بی-پیرایه علی در کوفه قرار داشت و موالی و ایرانیان با آن تماس نزدیک داشتند، سادگی آن را تنها به وصف نمی‌شنیدند بلکه به رأی العین با دیدگان خویش بخوبی میدیدند. از این‌سرو اگر توده‌های ستمدیده ایرانی بدین دعوت لبیک اجابت گفتند شکفتی ندارد» (۱)

ما بررسی شرائط و مقتضیات محیط ایران را برای پذیرش اسلام همین‌جا خاتمه میدهم خوانندگان محترم را به خواندن کتاب «خدمات مقابل اسلام و ایران» نوشته دانشمند معظم آقای مطهری توصیه می‌نمایم. و از شماره آینده به بررسی شرائط و مقتضیات «روم» می‌پردازیم.